

## ۱- درآمد

در سال‌های اخیر، بازار حافظ‌شناسی و حافظ‌پژوهی سخت گرم شده است. به شکلی که در همین تهران، من شخصا خبر دارم که ده‌ها «کلاس حافظ‌شناسی» تشکیل می‌شود که تنها یکی از آن‌ها با ماهنامه‌ی ما ارتباط دارد. باز در همین بیست ساله، شاید متجاوز از سیصد عنوان کتاب درباره‌ی حافظ تألیف و منتشر شده و ده‌ها چاپ جدید از دیوان حافظ به بازار آمده است که برشمردن همه‌ی آن‌ها مستلزم کتابی جداگانه است. ما فقط چند اثر را - نمونه‌وار - معرفی می‌کنیم:

### الف - چاپ‌های جدید دیوان حافظ

۱- حافظ، براساس نسخه‌ی میرزا (فرزند سلطان حسین بایقرا)، به کوشش احمد مجیب که دانشگاه تهران آن را چاپ کرده است.

۲- حافظ، به تصدیف دکتر محمدرضا جلالی نائینی. نذیر احمد هندی.

۳- حافظ، به کوشش دکتر محمدجواد شریعت.

۴- حافظ، براساس حده‌ی پیرحسین کاتب، به کوشش عبدالعلی ادیب برومند که اخیراً به چاپ دوم رسیده است.

۵- حافظ، به کوشش دکتر ثروتیان.

۶- حافظ جاوید، اثر اشرف جاوید.

۷- حافظ، چاپ دکتر صادق سجادی و علی بهرامیار

۸- حافظ، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر.

۹- حافظ، چاپ فضل‌الله دروش.

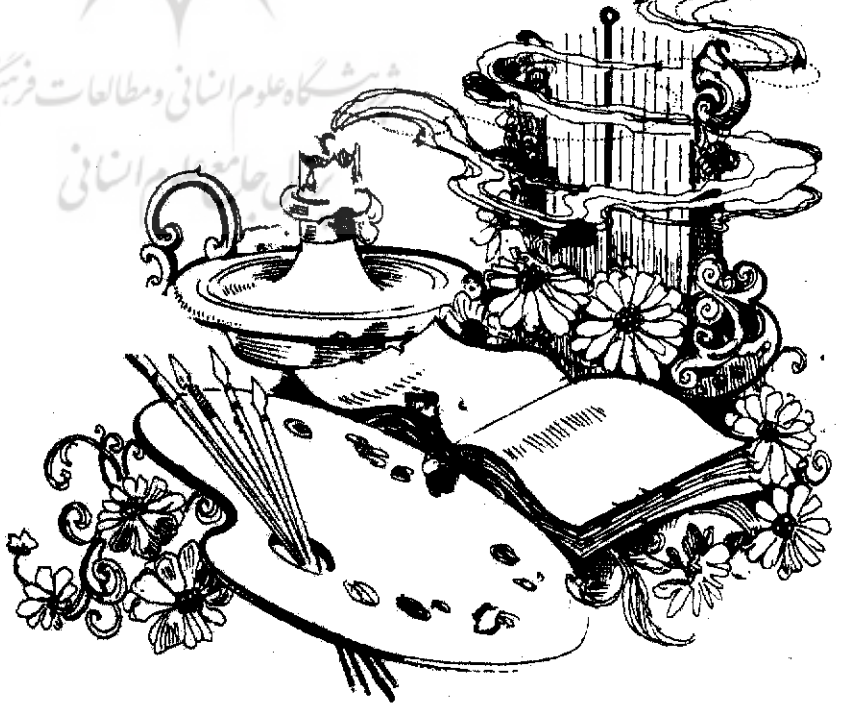
### ب- کتاب‌های حافظ‌شناسی

۱- آینه‌ی جام، اثر دکتر عباس زریاب‌خویی.

# حافظ برومی

## و حافظ سروملی

که پروفیسور سیدحسن امین



- ۲- درس حافظ، اثر دکتر محمد استعلامی.  
 ۳- گلگشت در شعر و اندیشه‌ی حافظ، تألیف دکتر محمدامین ریاحی.  
 ۴- تأمل در حافظ، تألیف دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن.  
 ۵- حافظنامه، تألیف بهاءالدین خرمشاهی.  
 ۶- الهیات رندی حافظ، تألیف محمود درگاهی.  
 ۷- گمشده‌ی لب دریا، تألیف دکتر تقی پورنامداریان.  
 ۸- مزاج دهر تبه شد، اثر هم‌ایشان.  
 ۹- لطف سخن حافظ، از محمود رکن.  
 ۱۰- فرهنگ ده هزار واژه از دیوان حافظ، تألیف دکتر ابوالفضل مصفی.  
 ۱۱- حافظ و قرن بیست‌ویکم، تألیف دکتر مهدی پرهام.

### ج - مجموعه‌ی مقالات

- ۱- حافظ‌شناسی (مجموعه‌ی مقالات)، گردآوری سعید نیاز کرمانی.  
 ۲- نامواره‌ی امین: چهل گفتار در ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی، ویراستاری سیدحسن امین و...  
 با این حساب، سخن گفتن از حافظ کار آسانی نیست و نویسنده نمی‌داند در ابواب حافظ‌شنه‌ی از کجا شروع و به کجا ختم کند؟

### ۲- جای پای دیگر شاعران در دیوان حافظ

در میان پژوهش‌های متعددی که در پنجاه ساله‌ی اخیر شده است، انبوهی از حافظ‌پژوهان نیز کوشیده‌اند که پیوند حافظ را با سراینده‌گان پیش از او یا معاصران او دریابند و بعضی‌ها (مانند محمدرضا تاجدینی) در این باب کتابی مستقل با عنوان **آینه‌ی حافظ و حافظ** آینه تدوین کرده‌اند. اینک، آن‌چه در همین باب صاحب این قلم، به‌استقلال، نوشته است، به شما ارمغان می‌شود. حافظ بی‌گمان از شاعران دیگر تأثیر پذیرفته است. برای مثال، حافظ، سعدی (وفات ۶۹۱ ق.) را نزد همه «استاد غزل» خوانده و در غزلیات زیر از او استقبال کرده است:

**حافظ:** زلف بر باد مده تا ندهی بر بادم  
**سعدی:** من از آن روز که در بند توأم آزادم  
**حافظ:** باغ مرا چه حاجت سرو صنوبر است  
**سعدی:**

از هرچه می‌رود، سخن دوست خوش‌تر است  
 پیغام آشنا سخن روح‌پرور است  
 هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟  
 من در میان جمع و دلم جای دیگر است  
 اینای روزگار به صحرا روند و باغ  
 صحرا و باغ زنده‌دلان کوی دلبر است

**حافظ:** مردم دیده‌ی ما جز به رخت ناظر نیست  
**سعدی:** کیست آن؟ کش سر پیوند تو در خاطر نیست  
**حافظ:** فتوی پیر مغان دارم و قولی است قدیم  
**سعدی:** امشب آن نیست که در خواب رود چشم ندیم  
**حافظ:** اگر به کوی تو باشد مرا مجال وصول  
**سعدی:** نشسته بودم و خاطر به خویشتن مشغول

**حافظ:** خیال نقش تو در کارگاه دیده کشیدم  
**سعدی:** دو هفته می‌گذرد کان مه دو هفته ندیدم  
 ما از جهت تاریخی، باید این واقعیت را بپذیریم که اشعار سعدی در عهد حافظ، حکم جواهر بلکه مثل سائر داشته است؛ چنان‌که در حیات خود سعدی نیز به‌قول خود او:

هفت کشور نمی‌کنند امروز بی‌مقالات سعدی انجمنی  
 بنابراین از جهت تاریخی، این واقعیت که سعدی در روزگار حیات حافظ - آن هم در شیراز - به اعتراف خود حافظ نزد همه «استاد غزل» و «استاد سخن» به‌شمار می‌رفته است، قابل انکار نیست. به این معنی که حتا شاید حافظ نیز در مکتب‌خانه‌های شیراز، گلستان و بوستان را هم‌چنان که نسل‌های اخیر به‌عنوان کتاب درسی و سرمشق ادبی، تربیتی و اخلاقی فرا گرفته باشد و به هر تقدیر، مسلم است که حافظ در شعر و شیوه‌ی بیان خود تحت تأثیر سعدی واقع شده است. هم‌چنان که باز مسلم است، شعر ظهیر فاریابی (وفات ۵۹۸ ق.) در آن روزگاران طالب بسیار داشته است، چندان که یک قرن بعد از حافظ، شاعری خطاب به «خاتم‌الشعراء» عبدالرحمان جامی می‌گوید: «دیوان ظهیر فاریابی - در کعبه بنزد اگر بیایی». ظهیر در عصر حافظ نیز از اعتباری به‌مراتب بیش از اشعار معاصران حافظ هم‌چون خواجوی کرمانی و سلمان ساوجی برخوردار بوده است. این است که حافظ در مقام تفاخر می‌گوید:

چه جای گفته‌ی خواجو و شعر سلمان است؟

که شعر حافظ، بهتر ز شعر خوب ظهیر  
 حافظ باز در مقطع غزل مطلع «آتت روائح رند الحمی و زاد غرامی» از باب فخر و مباهات، گاهی شعر خود را از شعر نظامی گنجه‌ای بهتر می‌شمارد و می‌گوید:

چو سلک در خوشاب است شعر نغز تو حافظ

که گاه لطف سبق می‌برد ز نظم نظامی

### طرز سخن خواجو

حافظ «طرز سخن» خود را از خواجوی کرمانی (۶۸۹ - ۷۵۰ ق.) به اعتراف خویش وام گرفته و مکرر از او استقبال است. از جمله غزل حافظ به مطلع «اگر به کوی تو باشد مرا مجال وصول» به استقبال غزلی از خواجو به مطلع زیر است:

مرا که نیست به خاک درت امید وصول

کجا به منزل قربت بود مجال نزول  
 هم‌چنان که غزل حافظ به مطلع «گفتم ای سلطان خوبان! رحم کن بر این غریب» به استقبال این غزل خواجوست:

طره‌ی مشکین نباشد بر رخ جانان غریب

زان که نبود سنبل سیراب در بستان غریب  
 باز مطلع «خوش‌خبر باشی ای شمیم شمال» در دیوان حافظ به استقبال این بیت از مثنوی کمال‌نامه‌ی خواجوست:

حبذا نکبت شمیم شمال

که به ما می‌دهد نوید وصال  
 غزل حافظ به مطلع «دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما» استقبال از غزل خواجو به مطلع زیر است:

خرقه، رهن خانه‌ی خمار دارد پیر ما

چیست یاران طریقت! بعد از این تدبیر ما؟



غزل حافظ به مطلع زیر:  
 نسیم صبح سعادت بدان نشان که تو دانی  
 گذر به کوی فلان کن در آن زمان که تو دانی  
 استقبال از غزل دیگر خواجه به مطلع زیر است:  
 ای صبا! خبری کن مرا از آن که تو دانی  
 بر آن زمین گذری کن در آن زمان که تو دانی  
 غزل حافظ به مطلع «خسروا! گوی فلک در خم چوگان تو باد»  
 استقبال از این غزل خواجه است:  
 ای شه ملک‌نشان! ملک جهان زان تو باد  
 قصر نه پنجره یک غرفه ز ایوان تو باد  
 باز غزل حافظ به مطلع «خرم آن روز کزین منزل ویران بروم»  
 به استقبال غزل خواجه به مطلع زیر است:  
 خرم آن روز که از خطه‌ی کرمان بروم

دلی و جان داده ز کف، از پی جانان بروم  
 حافظ، ساقی‌نامه‌ی خود را نیز اگرچه به پیروی از نظامی  
 گنجه‌ای، اما تحت تأثیر مستقیم همای و همایون خواجه ساخته  
 است و حتا مصرع «که جمشیدکی بود و کاووس کی» را - که  
 ساخته‌ی خواجه است - عیناً در ساقی‌نامه‌ی خود تضمین کرده است.  
**تأثیر ملک‌الشعرای عصر بر حافظ**

علاوه بر سعدی و خواجه، حافظ از ده‌ها شاعر معاصر و یا متقدم  
 دیگر نیز استقبال کرده است. برای نمونه، حافظ، غزل معروف خود  
 به مطلع «به ملازمان سلطان که رساند این ندا را» به استقبال از این  
 غزل ملک‌الشعرای معاصر خود، سلمان ساوجی (۷۰۹-۷۷۸ ق.) با  
 همان وزن و قافیه، به شرح زیر ساخته است:  
 ز شراب لعل نوشین من رند بی‌نوا را  
 مددی که چشم مستت به خمار کشت ما را  
 ز وجود خود ملولم قدحی بیار ساقی  
 برهان مرا زمانی ز خودی و خود خدا را  
 به خدا که خون رز را به دو عالم آر فروشی  
 بخریم هر دو عالم بدهیم خون‌بها را  
 من از آن نیم که چون نی بزنی اگر بنالم  
 که نوازش است هر دم بزدن نوای ما را  
 بسرا! ز ره ببردی به نوای نی دل من  
 به سرت که یار دیگر بسرا همین نوا را  
 دل من به یارب آمد به شکنج بند زلفت  
 مشکن که در دل شب اثری بود دعا را  
 طرف عذار گلگون ز نقاب زلف مشکین  
 بنمای تا ملامت نکنند مبتلا را  
 ز میان یار کاری نگشود جز کمر را  
 ز کنار دوست وصلی نرسید جز صبا را  
 همه شب خیال زلفت گذرد به چشم سلمان  
 که خیال دوست داند شب تیره آشنا را  
 باز، حافظ غزل معروف خود به مطلع «یوسف گم‌گشته باز آید به  
 کنعان غم مخور» را به استقبال از این غزل سلمان ساوجی ساخته  
 است:

بردمد صبح نشاط از مطلع جان، غم مخور  
 وین شب سودا رسد روزی به پایان، غم مخور  
 تا قیامت ز آتش رویش نخواهی سوختن  
 بر تو گردد روزی این آتش گلستان، غم مخور  
 ای دل سرگشته! دور غم نماند پایدار  
 گر غمی پیش آیدت، هم بگذرد آن، غم مخور  
 گر سرت خود در سر سودای زلفش می‌رود  
 زان سر مویی نکن خاطر پریشان، غم مخور  
 پای در میدان عشق آر می‌نهی، مردانه نه  
 از بلای سر، مترس! از آفت جان، غم مخور!  
 خود پرستا دامن ناموس دامن گیر شد  
 لالایی شو، ز خود دامن برافشان، غم مخور



محرم یار است باد صبح و اینک می‌رود  
 پیش او گر قصه‌ای داری، بگو، هان، غم مخور  
 روزگار غصه و دوران آمده درگذشت  
 نوبت دل‌شادی است امروز سلمان! غم مخور  
 البته سلمان ساوجی هم این غزل «غم مخور» را به شرح غزلی  
 مندرج در نفائس‌الفنون (مقام یکم در علوم ادبی)، بعد از شعری از  
 شمس‌الدین محمد جوینی معروف به صاحب دیوان (قتل ۶۸۳ ق.) -  
 وزیر مقتدر عصر مغول و از ممدوحان سعدی - سروده است. اما به  
 عقیده‌ی ما، به احتمال قوی، حافظ از سلمان - ملک‌الشعرای معاصر  
 خود - متأثر شده است و از این‌که سلمان شعر خود را به اقتفای

صاحب دیوان جوینی گفته باشد، به کلی بی اطلاع بوده است. باری مطلع شعر صاحب دیوان جوینی این است:

کلبه‌ی احزان شود روزی گلستان، غم مخور  
بشکفد گل‌های وصل از خار هجران، غم مخور  
نمونه‌های دیگر از اقتفای حافظ به سلمان ساوجی عبارتند از:  
غزل حافظ به مطلع «فاش می گویم و از گفته‌ی خود دل شادم»  
به استقبال از این غزل سلمان:  
من از آن روز که در بند توام، آزادم

پادشاهم چو به دست تو اسیر افتادم  
غزل حافظ به مطلع «عکس روی تو چو در آینه‌ی جام افتاد» به استقبال از این غزل سلمان:

در ازل، عکس می لعل تو در جام افتاد  
عاشق سوخته‌دل در طمع خام افتاد  
غزل حافظ به مطلع «شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد»  
به استقبال از غزل سلمان به مطلع:

آن که ز ابروی و مژه تیر و کمانی دارد  
چشم‌ها کرده سیه، قصد جهانی دارد

### اقتباس حافظ از شاعران دیگر

یکی دیگر از شاعران نام‌آور معاصر حافظ، عمادالدین علی بن حسن فقیه کرمانی معروف به عماد فقیه کرمانی (وفات ۷۷۲ ق.) بود. حافظ غزل عاشقانه‌ی «حال دل با تو گفتنم هوس است» را به استقبال این دو غزل از عماد فقیه کرمانی (از مقلدان موفق خواجوی کرمانی) ساخته و پرداخته است:

وصف حسن تو گفتنم هوس است

در مدح تو سفتنم هوس است  
\*\*\*

با جوانان نشستیم هوس است

عهد پیران شکستیم هوس است  
حافظ هم چنین غزل «بیا که قصر امل سخت بست بنیاد است»

را به استقبال از اوحدی مراغه‌ای ساخته و حتا مصرع «که این عجوزه عروس هزار داماد است» را از اوحدی تضمین کرده است. باری نظایر اشعار یاد شده در بالا که حافظ به اقتفای شاعران دیگر از جمله اوحدی، سعدی، میر کرمانی، عماد فقیه کرمانی، ریاضی سمرقندی، خواجو، سلمان، عطار، عراقی، امامی هروی، خاقانی، عبید زاکانی، جلال، شیخ، جنید، شمس‌الدین محمود، ادیب صابر، کمال‌الدین اسماعیل، جهان ملک خاتون، ظهیر فاریابی، روح‌الامین عبدالمجید، عتیقی، شهاب‌الدین، همام تبریزی، ابوحنیفه اسکافی، ترازوی، رفیع‌الدین مسعود و... سروده است، فراوان است.<sup>۷</sup>

### نتیجه

این همه نشان می‌دهد که حافظ در مقام یک شاعر پارسی‌گوی مقیم شیراز در قرن هشتم هجری در موارد متعدد با اندک تصرفی در تعبیر یا مختصر تغییری در ادای کلام و پس و پیش کردن کلمات،

این‌گونه اشعار را با همان وزن، شکل و قافیه که شاعران متقدم یا معاصر او ساخته‌اند، سروده است. افزون بر این استقبال‌ها که اکثر از شباهت‌های شکلی و وام‌گیری در قالب غزل درمی‌گذرد، حافظ در صدها مورد، مضمون‌ها و تعبیرها و تشبیه‌های مختلفی را از متقدمان خود از جمله نظامی گنجی، فرخی سیستانی، ظهیر فاریابی، منوچهری دامغانی، خاقانی شروانی، رودکی سمرقندی، باباطاهر همدانی، فخرالدین گرجانی، خیام نیشابوری، سعدی شیرازی، خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی، عماد فقیه کرمانی و در مواردی از شاعران عربی‌زبان هم‌چون ابونواس، ابن معتر و متنی وام گرفته است. البته در اغلب موارد، شعر حافظ بر دل خواننده و شنونده، بسی بهتر می‌نشیند و از جهت بن‌مایه‌ی محتوایی، پیامی و الاتی به مخاطب منتقل می‌کند و نیز با ایهام و کنایه و استعاره‌های مضاعف، قوت و غنای بیش‌تری می‌گیرد. با این وصف، تأثیرپذیری حافظ را از محیط فرهنگی‌اش انکار نمی‌توان کرد. دست‌کم، فضل تقدّم در اسلوب کلام و طرز سخن (اگرچه نه تقدّم فضل در محتوای شعر) برای کسانی که حافظ به ایشان اقتفاء جسته است، باقی می‌ماند. از این رهگذر، تأثیرپذیری حافظ قابل‌حاشا نیست. ■

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- دیوان حافظ، چاپ قزوینی و غنی، نسخه بدل مضبوط در پاورقی غزل شماره‌ی ۲۵۶.
- ۲- دیوان حافظ، چاپ قزوینی و غنی، غزل شماره‌ی ۴۶۹.
- ۳- کمال‌نامه‌ی خواجو بر وزن و شیوه‌ی حدیقه‌الْحقیقه سنایی غزنوی است و خواجو آن را به مرشد و مراد خود شیخ ابواسحاق کازرونی اتحاف کرده است.
- ۴- غنی، قاسم، حافظ با یادداشت‌ها و حواشی دکتر قاسم غنی، به کوشش سیروس غنی، چاپ عکسی، تهران، چاپ‌خانه‌ی مروی.
- ۵- امّلی، نفائس‌الفنون، بته نقل از یادداشت‌های دکتر غنی بر دیوان حافظ، ص ۷۲.
- ۶- ر. ک. دیوان قصاید و غزلیات خواجه عمادالدین علی فقیه کرمانی، چاپ رکن‌الدین همایون فرخ، تهران، ۱۳۳۸.
- ۷- به نقل از نسخه‌ای خطی مورخ ۷۶۳ ق. موجود در کتاب‌خانه‌ی مدرسه و مسجد سپهسالار که آن را نخست ابن یوسف شیرازی در ۱۳۱۹ در نشریه‌ی ایران امروز و سپس زنده‌یاد دکتر قاسم غنی در جوش‌اش بر دیوان حافظ که به همت سیروس غنی آفست شده است، معرفی کرده‌اند. ر. ک. ابن یوسف حدائق شیرازی، «یکی از کتب گران‌بهای مدرسه‌ی سپهسالار: دیوان عماد فقیه کرمانی»، ایران امروز، ج ۳، ش ۵ و ۶، صص ۲۸۲-۲۸۳.
- ۸- خلخالی، عبدالرحیم، حافظ‌نامه، هیرمند، ۱۳۶۶، صص ۹۳-۱۱۱.

### جناب آقای سید مهدی غنی

با اندوه بسیار، درگذشت مادر بزرگوار اوجندان، مرحومه سیده خانم زینب عربشاهی (غنی) را به جناب عالی و خانواده‌ی محترم و هم‌شیره‌ی محترمه خانم شمس‌ت غنی و اخوی محترم آقای جمشید غنی و جمیع خاندان‌های عزتدار به‌خصوص آقای حاج میرزا احمد عربشاهی بیت مرحوم آیت‌الله استاد سیدعلی‌اکبر امین و خاندان زنده‌یاد دکتر قاسم غنی تسلیت می‌گویم و برای آن بانوی بزرگوار غفران الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت دارم.

مهرات مشاوران علمی  
و کارکنان معاونت‌های حافظ